تقابل معنای «ش» و «س» در معنای شعب و تفرع

الآن در ما نحن فیه به چه صورت است؟ قبلاً راجع به مباحث حروف، بحث شده بود. حالا کنار هم بگذارید. «مسلمة لا شیة فیها». یادتان هست که راجع به «ش»، چند بار صحبت شد. اگر یادتان باشد، چندین بار عرض کردم که «ش»، تفشی و انتشار بود. «شجرة، شعبة و ...» را مکرر عرض کرده‌ام. می‌بینید واژه‌هایی که شین در آن‌ها به کار می‌رود، به این صورت هستند. تفرق دارند. ولو به اصلی برمی‌گردند اما در آن، این معنای تفشی هست. آیا معنای تشعب و تفرق، با سلم و یک دستبودن، مناسبت دارد یا ندارد؟! ندارد. سپس می‌فرماید: «مسلّمة لا شیة»! اتفاقا در «شیة»، هیچ چیزی جز «شین» نیست. طبق مبنای حسن جبل، در «وشی» واو و یاء کاره‌ای نیستند و فقط «شین» هست. اصلاً «شیة»، یعنی آنچه که تبلور و نمایش تفرق و تشعب و تشتت است. در همه‌ی این‌ها «شین» هست. «تشجر و مشاجرة». «شجرة» چیست؟ شاخ و برگ‌هایش پخش می‌شوند.

خُب، برادر ِشین، «سین» است. سه نقطه روی «ش» می‌گذارند که این نقطه دال بر تشتت است. آن‌ها را در «س» نمی‌گذارید. پس او مقابل است. یعنی آن چیزی که در «ش» هست، در «س» نیست. صفیری که در «سین» هست، مجتمع است. تفشی شین در سین نیست. صفیری است مجتمع ولی مستمر. ایشان هم که گفت: «انسحاب مع نفوذ ...» این معنا بود. اتفاقا جالب این است که «سلم» باید طوری باشد که هیچ‌کدام از حروفش، نقطه نداشته باشد. «س» و «ل» و «م». اصلاً خود کلمه، نقطه نیاز ندارد، چرا؟! چون اگر نقطه داشت، از آن «سلم» در می‌آمد.

بازبینی #2
ایجاد شده 22 ژوئن 2024 14:04:37 توسط ... .
به روزرسانی شده 22 ژوئن 2024 14:43:14 توسط ... .